حمید سبزواری (شاعر)

امیر حسین فردی (نویسنده)

ابوالفضل عالی (گرافیست)

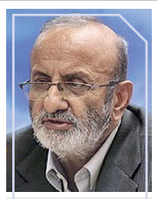
حسن شایانفر (محقق)

شهید رسول کاظم‌نژاد (عکاس)

شهید احمد زارعی (شاعر)

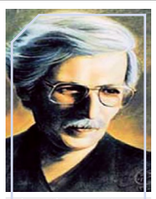
مهرداد اوستا (شاعر)

حسن روح‌الامین (نقاش)

مسعود شجاعی طباطبایی (کاریکاتوریست)

حبیب‌الله معلمی (شاعر)

علیرضا قزوه (شاعر)

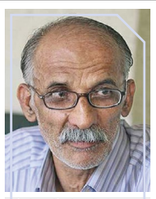
محمد علی گودینی (نویسنده)

علی‌محمد مؤدب (شاعر)

محمد مهدی سیار (شاعر)

سیمین‌دخت وحیدی (شاعر)

امیر حسین صلواتیان (تصویرگر)

سقوط آزاد تولید کاغذ ایرانی

تنها در یک سال!

مهدی سلیمانی (قائم‌مقام مجمع ناشران انقلاب اسلامی)

صنایع فرهنگی یکی از حوزه‌های مغفول در کشور ماست که عقب‌ماندگی در آن می‌تواند زمینه‌ساز وابستگی در حوزه فرهنگ باشد و پیشروی در آن می‌تواند زیرساخت‌های استقلال فرهنگی را محکم و پایدار نماید و بستری برای توسعه کمی و کیفی فرهنگ در کشور باشد.

امیرکبیر هم به فکر کاغذ بود!

در این بین همه صنایع فرهنگی کاغذ به‌واسطه بستری برای انتقال علم و کتابت آن اهمیتی مضاعف داشته و در دوره‌های مختلف نیز دارای فراز و نشیب‌های مختلفی نیز بوده است. ویلم فلور ایران‌شناس هلندی در یکی از آثار خود آورده است: «اهمیت کاغذ تحریر در یک فرهنگ غنی که دارای آثاری پرمایه در حوزه‌های گوناگون شعر و ادبیات، تاریخ‌نگاری، ارتباطات علمی و... بود، بدیهی به نظر می‌رسد. نیاز به نگارش رساله‌های دینی تفصیلی و ضرورت آموزش در این زمینه دلیلی دیگر بر اهمیت یافتن جایگاه کاغذ در فرهنگ ایرانی اسلامی به‌شمار می‌آید».[1]

تولید کاغذ در داخل کشور به دلیل اهمیت بالا و استراتژیک بودن این محصول در حوزه فرهنگ در دوره‌های مختلف مورد توجه دلسوزان کشور قرار گرفته است. برای مثال امیرکبیر به منظور کمتر شدن وابستگی ایران به کاغذ اروپایی، شش دانشجو را برای فراگیری هنر «کاغذگری» به روسیه (سن‌پترزبورگ) فرستاد[2] و پس از سه سال ماحصل آن واردات چرخ‌دستی‌های تولید کاغذ و ایجاد کارگاه‌ها و کارخانه‌هایی در تبریز و اصفهان بود.

کو گوش شنوا؟

بعد از انقلاب اسلامی نیز رهبر حکیم انقلاب به‌مناسبت‌های مختلفی به اهمیت تولید کاغذ در داخل کشور تأکید و تصریح داشتند اما در طول بیش چهاردهه گذشته مسئولان دولت‌های مختلف «همت نکردند که دنبال کنند».[3] لازم است چند فراز مهم و حکیمانه ایشان در موضوع کاغذ را مرور کنیم:

کاغذ در جامعه ما نباید یک کالای تزیینی و تجمّلاتی به حساب بیاید؛ بلکه باید یک کالای اصلی محسوب شود.[4]

من می‌بینم کتابی را به قیمت گزافی می‌فروشند؛ در حالی که خریدار نمی‌تواند بخرد. من به مواردی برخورد کردم که قیمت‌ها به نظرم زیاد و بیش از اندازه‌ای که امروز مقتضی است، بود. این بدین‌خاطر است که ما از لحاظ کاغذ مشکل داریم. خلاصه، باید روی بازیافت، صرفه‌جویی و تولید کاغذ داخلی کار شود؛ یعنی کاری کنند که در کاغذ، صرفه‌جویی شود... مسئله بازیافت کاغذ و همچنین تولید کاغذ داخلی، باید ان‌شاءالله مورد توجه قرار گیرد. بعضی از این کارها به عهده دولت و بعضی به عهده مردم است.[5]

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید با کمک دولت، این موانع، به‌ویژه موضوع گرانی کاغذ را برطرف کند. مهم‌ترین تولید ملی، تولید امتداددار است و با برطرف شدن مشکلات کارخانه‌های کاغذ، قطعاً راه برای کتابخوانی بیشتر و ارزان شدن قیمت کتاب باز می‌شود. علاج مسئله کاغذ فقط تولید کاغذ در داخل است.[6]

دولت تصمیم بگیرد در هیچ‌یک از چیزهایی که مصرف می‌کند، از قلم و کاغذ روی میز گرفته تا ساختمان‌سازی تا بقیه‌ی چیزها، هرآنچه در داخل قابل تولید است، خودش را از خارج ممنوع کند، بر خودش حرام کند.[7]

کاغذ را باید بتوانیم در داخل تولید کنیم. گرانی کاغذ فقط به وزارت ارشاد مربوط نمی‌شود. وزارت صنعت و معدن هم باید همکاری کند... به هر حال باید مشکل کاغذ حل شود. این‌طور نمی‌شود که بگوییم زیرساخت نداریم. آقای رحمانی و آقای صالحی باید با همکاری مشکل را حل کنند.[8]

انسان احساس می‌کند که کار نشر کتاب برخلاف بعضی از زمینه‌های نامساعد، رو به پیشرفت است. زمینه نامساعد که می‌گوییم، عمدتاً گرانی کاغذ است و گاهی نامرغوب بودن کاغذ که حالا امروز وزیر محترم به من خبر دادند که در زمینه تولید کاغذ مرغوب کارهای خوبی را شروع کرده‌اند. من البته چند سال قبل به این مسئله تأکید کردم، همت نکردند که دنبال کنند؛ حالا خب بحمدالله شروع کرده‌اند. امیدواریم که این کمک کند تا این قیمتِ بالای کتاب‌ها- که خرید کتاب با این قیمت‌ها واقعاً سخت است- بشکند و با ارزان شدن کاغذ، با آمدن کاغذ داخلی مرغوب، این وضع بهتر بشود.[9]

حتی با نگاه غیرفرهنگی، هم باید کاغذ تولید کنیم!

علاوه‌بر جنبه‌های فرهنگی که تولید کاغذ به همراه دارد، با نگاه غیر راهبردی در حوزه فرهنگ نیز تولید این محصول در کشور توجیه اقتصادی و مدیریتی دارد. چراکه این محصول دارای بازار مناسبی در داخل و منطقه است و کمترین اثر آن ایجاد اشتغال در کشور است. برای مثال براساس آمار منتشر شده فقط در شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران ۱۲۴۱ نفر در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ مشغول به فعالیت بوده‌اند. جلوگیری از خروج ارز بابت واردات کاغذ نیز از دیگر فواید تولید کاغذ است که در شرایط فعلی کشور بسیار حائز اهمیت است. گفتنی است در حال حاضر برای هر کیلو کاغذ وارداتی ۱/۱ دلار باید ارز از کشور خارج شود. برای اینکه ملموس‌تر شود باید بدانید که وزارت آموزش‌وپرورش در نیمه دوم سال گذشته ۶۰ هزار تن کاغذ وارد کرده است که حدوداً ۷۰ میلیون دلار ارز نیاز دارد. حتی اگر دولت در تأمین و مصرف این ارز مشکلی نداشته باشد عقل حکم می‌کند این ارز را به‌جای اینکه به تولیدکننده خارجی داده شود، از آن برای به‌روزرسانی تجهیزات و ماشین‌آلات تولید کاغذ در داخل کشور استفاده شود تا هم چرخ تولید رونق گیرد و هم موجبات اشتغال نیروی انسانی ایرانی فراهم شود. یادمان نرود که شعار امسال سرمایه‌گذاری برای تولید است.

تولیدکنندگان اصلی کاغذ تحریر در کشور
شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران (دولتی)

از اوایل دهه نود تولید کاغذ تحریر در داخل کشور با چالش‌های جدی مواجه شد و به مرور این صنعت در کشور ما به‌قدری تضعیف شد که در برخی از سال‌های پایانی دهه نود تقریباً تمام کاغذ مورد نیاز کشور از خارج وارد می‌شد و کارخانه‌های و شرکت‌های تولیدکننده کاغذ نیز خط تولید کاغذ تحریر را از چرخه تولید کنار گذاشتند. برای نمونه شرکت دولتی صنایع چوب و کاغذ مازندران که مهم‌ترین و شاید به‌نوعی تنها تولیدکننده دولتی کاغذ

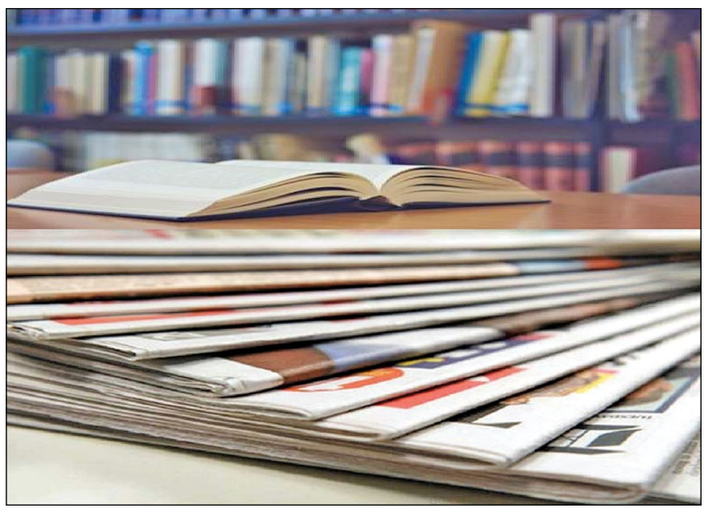

تحریر کشور است با ظرفیت تولید سالانه ۵۵ هزار تن (واقعی)، در سال ۱۴۰۰ تنها ۴۵۰۰ تن کاغذ تولید کرد. این شرکت با حمایت و پیگیری دولت سیزدهم احیا شد و در سال ۱۴۰۲ توانست ۴۵ هزار تن کاغذ را تولید کرده و کل نیاز آموزش‌وپرورش برای تولید ۱۵۵ میلیون نسخه کتاب درسی دانش‌آموزان را تأمین کند.

با روی‌کار آمدن دولت چهاردهم و تغییر تیم مدیریتی در وزارت آموزش‌وپرورش و شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران، همکاری و هماهنگی میان این دو دستگاه از بین رفت و در یک بازگشت به عقب واضح وزارت آموزش‌وپرورش شهریورماه سال ۱۴۰۳ اقدام به واردات ۶۰ هزار تن کاغذ خارجی کرد و وزیر آموزش‌وپرورش نیز در اسفندماه سال ۱۴۰۳، از تولید کتب درسی با کاغذ خارجی خبر داد. جالب اینجاست که با توجه به اینکه براساس قرارداد منعقد شده وزارت آموزش‌وپرورش و کارخانه کاغذ مازندران در سال ۱۴۰۳، کارخانه مازندران موظف است تا ۳۵ هزار تن کاغذ آموزش و پرورش را تأمین کند (۱۰ هزار تن کمتر از سال قبل) و تقریباً ۱۵ تا ۲۰ هزار تن باید وارد می‌شد ولی بیش از سه برابر این عدد یعنی ۶۰ هزار تن وارد شده است که نشان‌دهنده جهت‌گیری این وزارتخانه برای استفاده از کاغذ خارجی برای تولید کتاب در سال‌های آینده است.[10]

دور جدید و سقوط تولید

کارخانه کاغذ مازندران در سال ۱۴۰۳ به وزارت آموزش‌وپرورش متعهد بود که ۳۵ هزار تن کاغذ تحویل دهد. بر اساس آمار منتشر شده تا آذرماه ۱۵ هزار تن کاغذ تولید شده بود ولی این شرکت از آذرماه سال گذشته با تغییر مدیریتی مواجه شد و مدیران همسوی دولت چهاردهم پشت میزهای آن نشستند و از همان ابتدا به‌جای حل مسائل زیاد این شرکت تولیدی اقداماتی انجام دادند که نتیجه‌اش از بین رفتن مزیت کاغذ مازندران و افت شدید و سقوط آزاد این کارخانه در تولید کاغذ است. این شرکت در هفت ماهی که مدیریت جدید کار را به دست گرفته تنها ۵ هزار تن کاغذ تولید کرده است و در واقع این پیام را به وزارت آموزش‌وپرورش انتقال داد که این کارخانه نمی‌تواند به تعهد خود عمل کند. شاید همین ضعف کارخانه مازندران و فرصت‌طلبی دلالان واردات کاغذ باعث شد تا در کمتر از یک سال، بار دیگر وزارت آموزش‌وپرورش اقدام به واردات ۵۰ هزار تن کاغذ دیگر کند!

از طرفی دیگر قیمت هر کیلو کاغذ مازندران در سال گذشته حدوداً ۴۲ هزار تومان بود ولی در سال جدید مدیرعامل این کارخانه قیمت کاغذ را هر کیلو ۷۵ هزار تومان اعلام کرد و گفت پایین‌تر از این قیمت، تولید کاغذ تحریر صرفه اقتصادی ندارد. این بدین معناست که کاغذ مازندران هر بند ۱,۹۰۰,۰۰۰ هزار تومان قیمت دارد در حالی که بهترین کاغذ خارجی در بازار آزاد قیمتی به مراتب پایین‌تر دارد.

همه این‌ها نشان‌دهنده این است که راهبرد و سیاست فعلی دولت و مدیریت این شرکت نه‌تنها تلاشی برای رفع اشکالات کاغذ مازندران نمی‌کند بلکه در واقع در حال از بین بردن تمام مزیت‌های رقابتی خود با کاغذ خارجی است. شاید همین راهبرد غلط است که موجب می‌شود آقای عارف به عنوان معاون اول رئیس‌جمهور در نمایشگاه کتاب تهران بگوید: «حمایت از واردات کاغذ وعده نیست، الزام است» متأسفانه آقای معاون‌اول کلاً بازی را برعکس متوجه شده‌اند!

چرا آموزش‌وپرورش باید کاغذ ایرانی مصرف کند؟

همان‌طور که رهبر انقلاب فرمودند:«مهم‌ترین تولید ملی، تولید امتداددار است و با برطرف شدن مشکلات کارخانه‌های کاغذ، قطعاً راه برای کتابخوانی بیشتر و ارزان شدن قیمت کتاب باز می‌شود» لذا دولت سیزدهم با تصمیم درست خود پیش از مردم، خود دولت را موظف کرد که از کاغذ ایرانی استفاده کند و وزارت آموزش‌وپرورش نیز مکلف شد تا از کاغذ ایرانی استفاده کند. این تصمیم از جنبه‌های مختلف دارای اهمیت است:

یکم: دولت در عمل، برای استفاده از محصول ایرانی پیشگام شد.

دوم: با مکلف شدن وزارت آ.پ برای استفاده از کاغذ ایرانی، چرخه تولید کاغذ در کشور زنده و فعال خواهد ماند.

سوم: کشور ما برای کاغذ کتب درسی که تنها ۹ ماه استفاده می‌شوند، سالانه حجم قابل‌توجهی ارز هزینه می‌کند که در صورت استفاده از کاغذ ایرانی، تنها بخشی از این هزینه ارزی می‌تواند سرمایه‌ای برای زیرساخت‌ها و به‌روزرسانی دستگاه‌های تولید کاغذ در کشور باشد. از طرفی دیگر مهم‌ترین مصرف‌کننده کاغذ مازندران وزارت آموزش‌وپرورش است و اگر مدیریت صحیحی انجام شود می‌توان همان کتب مصرف شده را هرساله به چرخه تولید بازگردد (به‌جای سوزانده شدن و از بین رفتن) و هزینه‌های تولید را نیز کاهش داد.

چهارم: برای افزایش کیفیت چاره‌ای جز تولید مستمر نداریم. چراکه کاغذ نیز همچون بسیاری از صنایع، در صورت تداوم تولید و مصرف است که می‌تواند کیفیت خود را ارتقاء دهد. چنانچه کیفیت کاغذ کارخانه مازندران در سال ۱۴۰۲ به مراتب از کیفیت کاغذ سال ۱۴۰۰ بهتر بود. این بدان معناست که اگر دولت می‌خواهد در سه سال آینده کارخانه مازندران کاغذ مرغوب ایرانی تولید کند باید این روند ادامه‌دار باشد و در صورت توقف این روند (کمااینکه الان متوقف شده) افزایش کیفیت کاغذ با چالش مواجه خواهد شد.

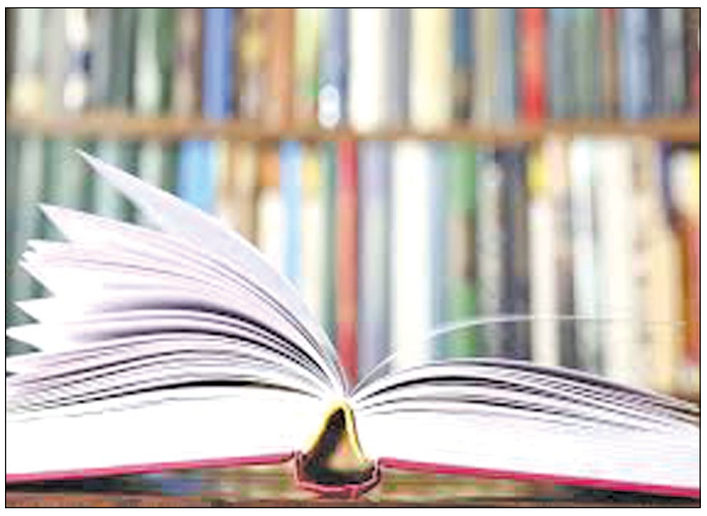

کیفیت کاغذ مازندران را چه کنیم؟!

درباره کیفیت کاغذ مازندران نکات مختلفی وجود دارد که تلاش می‌کنم به طور اجمالی به آن‌ها بپردازم:

در بسیاری از کشورهای دنیا مرسوم است که کتاب با کیفیت‌ها و قیمت‌های مختلف عرضه شود.

برای افزایش کیفیت کاغذ نیاز به استمرار تولید در داخل است و چنانچه کیفیت کاغذ تولید شده کارخانه مازندران در سال ۱۴۰۳ به مراتب بهتر از کیفیت کاغذ سال ۹۹ و ۱۴۰۰ است.

بسیاری از کتب منتشر شده یک دوره مصرف محدود چندماهه دارند (مانند بسیاری از کتب درسی و کمک‌آموزشی) و نیاز نیست کاغذی با کیفیت اعلا با هزینه‌های زیاد برای آن مصرف شود. گفتنی است کل ۴۵۰۰ تن کاغذی که در سال آخر دولت روحانی تولید شد به سفارش یکی از ناشران کمک آموزشی بود. در حالی که آن زمان صحبتی از خودکفایی کاغذ در دولت دوزادهم وجود نداشت.

در سه سال دولت شهید رئیسی که تولید کاغذ ایرانی به طور جدی در دستورکار بود، هیچ ممنوعیت و تعرفه‌ای برای واردات کاغذ وجود نداشت و ناشران می‌توانستند به راحتی از کاغذ خارجی استفاده کنند اما با این حال چند صد ناشر بدون هیچ اجباری ترجیح دادند که از کاغذ ایرانی کارخانه مازندران استفاده کنند.[11] این نشان‌دهنده این موضوع است که کیفیت کاغذ قابل قبول و قابل استفاده است، هرچند که در مقایسه با کاغذ اعلا از کیفیت کمتری برخوردار است.

این را هم بگوییم که اصرار خاصی برای استفاده ناشران عمومی از کاغذ مازندران نبوده و نیست. هر ناشر که احساس کند این کاغذ برای محصول آن مناسب است می‌تواند از آن استفاده کند. در طرحی که در دولت شهید رئیسی نیز پیگیری می‌شد استفاده گسترده ناشران عمومی از سایر ظرفیت‌های تولیدی در کشور که کیفیت بالاتری نسبت به کاغذ مازندران دارند مد نظر بود.

شرکت کاغذ زاگرس فارس (خصوصی)

در کشور ما به دلایل مختلفی (عمدتاً اقتصادی و سود کم تولید کاغذ تحریر) تعداد تولیدکنندگانی که حجم تولیداتشان قابل اعتنا باشد و بتوانند نیازی از کشور را تأمین کنند بسیار اندک است. اما در این بین دو شرکت پارس و زاگرس دارای ظرفیت قابل‌توجهی هستند که علی‌رغم پیگیری‌های فراوان، مدیریت کارخانه پارس عمدتاً به دلایل اقتصادی، اهتمام و تمایلی برای تولید کاغذ تحریر ندارد و ترجیح می‌دهد سایر محصولات سلولوزی پایه را تولید کند. اما شرکت کاغذ زاگرس فارس با ظرفیت سه خط ۸۰ هزار تنی که از سال ۸۴ تأسیس شده بود و به دلیل مشکلات مالی و فنی نتوانسته بود تولید کاغذ تحریر را آغاز کند، با کمک دولت سیزدهم بسیاری از مشکلات مالی، زیرساختی و فناوری‌اش برطرف شد و بنا بود با حمایت دولت (تخصیص تسهیلات) و نیز تأمین برق شرکت در تابستان ۱۴۰۳، نیمه دوم سال جاری کاغذ تحریر این کارخانه وارد بازار نشر شود. اما براساس آخرین اطلاعات به دلیل عدم حمایت دولت چهاردهم (وزارت ارشاد، وزارت صمت، استانداری فارس و...) این کارخانه همچنان از تولید کاغذ تحریر بازمانده است. این نکته قابل‌توجه است که این کارخانه آماده بهره‌برداری است و براساس گواهینامه وزارت صمت ۹۲درصد پیشرفت کار داشته است و تنها منتظر اندک حمایت مسئولان برای تأمین نقدینگی خرید برخی دستگاه‌هاست تا تولید خود را آغاز کند.این کارخانه دارای ظرفیت تولیدی سه خط ۸۰ هزار تنی است؛ یعنی اگر تنها یک خط آن کاغذ تحریر تولید کند تقریباً نیاز کل جامعه نشر را پوشش خواهد داد.

تولید کاغذ توسط ستاد اجرائی فرمان امام(ره) (حاکمیتی)

به دلایل مختلفی که بالاتر توضیح داده شد، حل مسئله کاغذ نیازمند ورود جدی نهادهای حاکمیت (غیردولتی) است. چراکه ورود نهاد حاکمیتی، همچون ستاد اجرائی فرمان امام(ره) به دلیل ثبات مدیریتی که در نسبت با دولت‌ها وجود دارد، باعث می‌شود بسیاری از مشکلاتی که در بخش تولید کاغذ توسط شرکت‌های دولتی ایجاد می‌شود حل شود. مهم‌تر اینکه حاشیه سود کاغذ تحریر در کشور ما نسبت به سایر محصولات سلولوزی بسیار اندک است و به همین دلیل بخش خصوصی و گاهی بخش دولتی انگیزه لازم برای ورود و ماندن در این حوزه را ندارد و ترجیح می‌دهد محصولاتی غیر از کاغذ تحریر (که کاغذ مورد استفاده در صنعت نشر است) تولید کند. لذا لازم بود تا یک نهاد حاکمیتی همچون ستاد اجرائی فرمان امام برای تولید کاغذ تحریر و حتی کاغذ گلاسه (کاغذ مورد استفاده در کتاب کودک) اقدام نماید. خوشبختانه ستاد اجرائی فرمان امام از اواخر دهه ۹۰ با تأسیس کارخانه کاغذ سبز خورستان گام بلندی در تحقق خودکفایی کاغذ (این‌بار با دستگاه‌ها و ماشین‌آلات به‌روز و تکنولوژی بالاتر) برداشت. اما به نظر می‌رسد با توجه به نقشه راهی که از ابتدا برای راه‌اندازی کارخانه «کاغذ سبز خوزستان» آغاز شد، سرعت فعالیت‌ها و اقدامات لازم برای ورود، نصب، آزمایش و راه‌اندازی دستگاه‌ها با کاهش چشمگیری مواجه شده است به طوری که بعد از هفت سال، حدود ۳۲درصد پروژه پیشرفت داشته است؛ در حالی که امروز باید بیش از ۷۵درصد پیشرفت را شاهد می‌بودیم. ورود جدی و سریع ستاد اجرائی در تولید کاغذ ایرانی می‌تواند کشور ما را در استفاده از کاغذهای مختلف (صنعتی، اداری، تحریر، و...) خودکفا کرده و حتی بازار کشورهای همسایه را در اختیار بگیرد و از همه مهم‌تر بتواند امر ولی جامعه را تحقق بخشد.

وضعیت اکنون مصرف کاغذ ایرانی در بین ناشران

باتوجه به توضیحات بالا و بررسی‌های میدانی در بازار کاغذ مشخص شد که از تابستان ۱۴۰۳ تا امروز هیچ کاغذ ایرانی در بازار وجود ندارد و متأسفانه هیچ کتابی با کاغذ ایرانی منتشر نمی‌شود. در دولت شهید رئیسی طی مدتی کوتاه، ۳۹۱ ناشر، ۲۸۱۸۲۹ بند کاغذ مازندران مصرف کردند؛ در حالی‌که هیچ‌گاه واردات کاغذ ممنوع نبوده و حتی تعرفه‌ای هم برای واردات کاغذ وضع نشده بود. به بیانی دیگر ناشران بدون هیچ اجبار و یا مشوق خاصی انتخاب کردند که از کاغذ ایرانی استفاده کنند. ناشرانی همچون شهید کاظمی، سمت، نشر قدیانی، پیام عدالت، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، عهد مانا، ابراهیم‌هادی و... از جمله ناشران پرمصرف کاغذ ایرانی محسوب می‌شوند.

مهم‌ترین مسائل امروز تولید کاغذ ایرانی

عدم اهتمام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به پیگیری تولید کاغذ ایرانی از سایر دستگاه‌های دولتی؛

عدم فهم درست وزارت صنعت، معدن و تجارت از مسئله کاغذ ایرانی و انحلال دفتر سلولوزی[12] در چارت جدید وزارتخانه؛

عدم همراهی و هماهنگی وزارت آموزش و پرورش در استفاده از کاغذ ایرانی؛

ناترازی انرژی به‌ویژه برق؛

از بین بردن مزیت کاغذ ایرانی در موضوع قیمت‌گذاری.

صالحی ۱۲ سال مسئول کتاب کشور!

به دلایل عمدتاً اقتصادی (سود کم تولید برای تولیدکنندگان و سود زیاد واردات برای دلالان) مسئله کاغذ را نمی‌توان به بازار سپرد و بدون راهبری و مدیریت آن را رها کرد و مانند بسیاری از کالاهای دیگر با آن رفتار کرد که در این صورت نتایجی جز وابستگی صددرصدی به خارج و نابودی تولید کاغذ تحریر در کشور به بار نخواهد آمد. از طرفی دیگر علی‌رغم اینکه خانواده فرهنگی کشور (ناشران) مصرف‌کننده کاغذ هستند و بارها و بارها وزارت ارشاد مورد خطاب رهبر انقلاب برای حل این مسئله بوده ولی همچنان ورود جدی به این مسئله ندارد. آقای سید عباس صالحی چهار سال معاون فرهنگی و مسئول کتاب (۹۲ تا ۹۶) بوده‌اند و پس از آن نیز چهار سال (۹۶ تا ۱۴۰۰) وزیر فرهنگ بوده و در دولت چهاردهم هم علی‌الظاهر چهار سال دیگر وزیر فرهنگ خواهند بود. یعنی در ۱۵ سال، ایشان ۱۲ سال مسئولیت کتاب را مستقیماً در سطح وزیر و معاون وزیر برعهده داشته و دارد. این یعنی اگر سیاست و راهبرد درستی وجود داشت بعد از یک دهه مدیریت با ثبات ایشان بر حوزه کتاب، نباید امروزه شاهد این حجم از نابه‌سامانی در مسئله کاغذ می‌بودیم.

متأسفانه در وزارت صمت نیز اهمیت مسئله کاغذ به‌خوبی فهم نشده و به همین دلیل اراده و توان طراحی و اقدام برای خودکفایی در کاغذ وجود ندارد. آموزش‌وپرورش نیز تحت تأثیر فشار سنگین منتفعان واردات کاغذ به راحتی کاغذ ایرانی را کنار زده و به سراغ کاغذ خارجی می‌رود. لذا به نظر می‌رسد با توجه به اقتضائات موجود در پروژه خودکفایی در کاغذ ایرانی ما به‌شدت نیازمند یک «عقل راهبر فرادستگاهی» هستیم که بتواند با پیگیری از دستگاه‌های مختلف، اولاً پیگیر رفع موانع تولید باشد؛ ثانیاً نیازمندی‌های زیرساختی تولید را احصا و برای رفع آن‌ها تلاش کند؛ ثالثاً با رصد دقیق و تنظیم‌گری دستگاه‌های دولتی، حاکمیتی و خصوصی اقدامات هر دستگاه را در زمین طراحی شده برای خودکفایی کاغذ داخلی تعریف کند؛ رابعاً برای استفاده عموم ناشران از کاغذ مرغوب ایرانی برنامه‌ریزی و اقدام نماید.

---

۱. کتاب: History of paper in iran
۲. کتاب تاریخ کاغذ در ایران؛ انتشارات ایران‌شناسی
۳. رهبر انقلاب در مصاحبه با خبرنگار خبرگزاری صداوسیما در پایان بازدید از سی‌وچهارمین نمایشگاه کتاب تهران- ۱۴۰۲/۰۲/۲۴
۴. رهبر انقلاب در سال ۱۳۷۴
۵. رهبر انقلاب در سال ۱۳۷۴
۶. رهبر انقلاب در سال ۱۳۹۲
۷. رهبر انقلاب در سال ۱۳۹۴
۸. رهبر انقلاب در سال ۱۳۹۸
۹. رهبر انقلاب در سال ۱۴۰۲
۱۰. وزیر آموزش‌وپرورش در اسفندماه ۴۰۳، از انجام فرآیند ثبت سفارش برای تامین ارز واردات کاغذ، ویژه تولید کتاب‌های درسی سال تحصیلی آینده خبر داد.
۱۱. مجموعاً ۳۹۱ ناشر، ۲۸۱۸۲۹ بند کاغذ مازندران مصرف کردند.
۱۲. متأسفانه در چارت جدید وزارت صمت دفتر سلولوزی حذف شد و بعد از اعتراض تولیدکنندگان صنایع سلولوزی و کاغذ، مسئولان وزارت صمت اظهار داشتند این دفتر در «دفتر صنایع منسوجات، پوشاک و چرم» ادغام شده است!

داستانک

■ مریم عرفانیان

تــواضع

یک نفر گفت: «عجب!» و انگشت حیرت به دهان گرفت!

دیگری به انتهای گرمابه اشاره کرد که مرطوب بود و چهره‌ها در بخار گرم آب شناخته نمی‌شدند. صدایی میان تو در توی گرمابه پیچید و چون پتکی بر سر پیرمرد فرود آمد: «چه کردی پیرمرد! چه می‌کنی؟ مگر مولایت را نمی‌شناسی؟!»

پیرمرد متحیر از صدا سر برگرداند؟! صورتش از شرم رنگ باخت. چهره مولایش را شناخت و آن وقت تازه دریافت به چه کسی تقاضای دلاکی کرده است؟ شانه‌های سرد پیرمرد، زیردستان گرم مولای شیعیان از شرم می‌لرزید و آقا همچنان مشغول دلاکی وی بود؟! [1]

۱- منبع داستانک: مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۴۱۲.

حســن

ای صاحب کرامت و شفیعِ قیامت.
آسمان، شانه‌به‌شانه زمین در عزایت خون می‌گرید.
پیکر تیرباران‌شده‌ات، زیر آفتابِ بقیع، سهمی از بهشت می‌شود.
در وادی ظلم آماج تیرِ کین شدی و خصمِ حرمله‌های زمان.
ای تربت بی‌زائر.
حسن.
ای مزار بی‌چراغ.
از پشت، خنجر خوردی و پاره‌های جگرت مرثیه بی‌قافیه‌ای است که فریاد می‌زند...
امامِ غریب. ای امام غریب...
ای که غربتت را از مادر به ارث برده‌ای!
بقیع، عجب خاکِ غریب نوازی است.

مینا منجم‌زاده

من جامانده‌ام...

نه بوی خاک داغ مسیر را حس کرده‌ام، نه تاول پاهایم را در آب سرد موکب‌ها شسته‌ام، نه آفتاب ظهر کربلا پیشانی‌ام را بوسیده است.

اما این روزها، قاب کوچک گوشی‌ام، دری به جاده عشق برایم باز کرده؛ جاده‌ای که از نجف آغاز می‌شود و تا کربلا امتداد دارد. هر پست و ویدئو که می‌بینم، من را با خود می‌برد. در خیال، پا به خاک نجف می‌گذارم، نسیم گرم صورت را نوازش می‌کند، و موکب‌ها یک‌به‌یک پیدا می‌شوند.

پرچم‌های سرخ و سبز در باد می‌رقصند، بوی چای تازه‌دم و برنج دم‌کشیده در هوا پیچیده. پیرمردی با عمامه سفید لیوانی شربت به دستم می‌دهد، نگاهش می‌گوید: «همین که آمدی، کافی‌ست.»

کودکی خرمایی گرم در کف دستم می‌گذارد و پیش از آنکه تشکر کنم، در جمعیت گم می‌شود. لبخند می‌زنم، دعا می‌کنم و قدم برمی‌دارم.

عمودها در مسیر چون سربازانی بی‌خواب ایستاده‌اند، هر پنجاه متر یک ستون، تا ۱۴۵۲ عمود که به حرم می‌رسد. شماره‌ها را در ذهن می‌شمارم... صدها، هزارها... تا می‌رسم به عمود ۱۴۰۷؛ «عمود سلام». اینجا همه مکث می‌کنند.

نفس‌ها سنگین‌تر می‌شود، چشم‌ها به افق دوخته، و ناگهان گنبد قمر بنی‌هاشم(ع) چون خورشیدی طلایی از دل افق سر برمی‌آورد.اشک‌ها بی‌اختیار جاری می‌شوند. من هم در خیال، همان‌جا می‌ایستم. دستم خالی است، اما دلم پر از حرف. بار سنگین روزگار شانه‌هایم را خم کرده و آهسته زمزمه می‌کنم:

آقاجان، آمده‌ام که سبک شوم...
و انگار پاسخی از آسمان می‌رسد:
أَلَمْ نَشْرَحْ لَکَ صَدْرَکَ
آیا سینه‌ات را برایت نگشودیم؟
وَوَضَعْنَا عَنکَ وِزْرَکَ
و بار سنگینت را از تو برنداشتیم؟
الَّذِی أَنقَضَ ظَهْرَکَ
همان باری که پشتت را خم کرده بود،
وَرَفَعْنَا لَکَ ذِکْرَکَ
و یاد تو را برایت بلندآوازه ساختیم.

صداهای نوحه از هر سو بلند است؛ گاهی فارسی، گاهی عربی. زبان‌ها فرق دارد، اما عشق حسین، زبان مشترک همه دل‌هاست. ایرانی و عراقی، پیر و جوان، زن و مرد... دوشادوش، با یک مقصد و یک عشق.

پایان جاده، کربلاست
اما آغازش، همین حالا، در دل من است.
من جامانده‌ام، اما بی‌نصیب نمانده‌ام.
پاهایم این مسیر را نرفته‌اند، ولی دلم، بارها و بارها، از نجف تا کربلا را قدم زده است.

اکرم رحمانی

میعادگاه

کاروانی خسته از سفری دور و دراز، آرام، اما مشتاق و بی‌تاب، ره می‌پیماید تا خود را به میعادگاه برساند. آخرین روز و شب این سفر پرحزن و اندوه رو به پایان است و عن قریب خواهری به دیدار برادر می‌رسد.

کاروان، در بیابانی که در مشرق کشیده شده بود، به شوق پایان چهل روز فراق و درد، خودش را به سمت میعادگاه می‌کشاند و زمین تف‌دیده هاج و واج از مشاهده کاروان محزونی که ره می‌سپرد خشکش زده بود در حالی که غم و دلتنگی آن فضای پهناور را پر کرده بود.

کاروان بدین طریق ره می‌پیمود تا زینب(س) دختر علی را به وصال برادر برساند و بغض چهل منزل فراق و چهل روز دوری و رنج را با دیدن برادر تهی کند.

نه کاروان شتاب داشت و نه ساربان. این دل‌های بی‌قرار بود که مشتاقانه می‌تپید. در حالی که دیگر، مسافران غل و زنجیر به گردن نداشتند.

چیزی از دور به نظرشان رسید. دو سیاهی که به آنها نزدیک می‌شدند و چون رسیدند، جابر بودند و عطیه که شب تاریک و بلندی را پشت سر گذاشته بودند، در حالی که دیدگانشان باز بود و با دیدن کاروانی که از سمت شام به سمت کوفه و کربلا می‌آمدند متعجب. زینب (س) به بزرگ ساربان‌ها و نگاهبانان کاروان فرمود:

- آیا ممکن است ما را از کربلا عبور دهی؟

و چه سخت بود این عبور. وقتی که به کربلا رسیدند. هنوز خاک‌ها از بازمانده خون شهدا و یاران برادرش آغشته و خونین بود.

زن‌ها و بچه‌ها خودشان را از روی مرکب‌ها بر زمین داغ و خونین انداختند و هرکدام بر گوشه‌ای از زمین چنگ زدند و خاک را در بغل گرفتند و تنها عقیله بنی‌هاشم بود که برادر را مخاطب قرار می‌داد:

بر سر کوی تو جسمی ناتوان آورده‌ام
قامتی خم‌گشته از جور زمان آورده‌ام
بر مزار تو حسین جان اینک از شام خراب
از زنان و کودکان یک کاروان آورده‌ام
از سفر باز آمدم پرسی اگر از حال من
پیکری نیلی برایت ارمغان آورده‌ام*

**ابوالقاسم محم